

مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

دکتر فیض‌اله نوروژی*

مهناز بختیاری**

چکیده

شکلی از تفکر عقلانی منجر به رشد مشارکت شده که رسالت آن سهم نمودن انسان در سرنوشت خویش است. شکل‌گیری و استمرار این فرآیند در جامعه، مستلزم وجود عوامل و شرایط بسیاری است. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است تا از منظر جامعه‌شناختی، به بررسی میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خدابنده بپردازد. جامعه آماری این پژوهش افراد ۶۰-۳۰ ساله ساکن در این شهرستان می‌باشد و ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه می‌باشد. یافته‌های پژوهش، حاکی از میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی متوسط به پایین در شهرستان خدابنده است. همچنین همبستگی معنی‌دار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای مستقل (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی - سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی - سیاسی)، برقرار است. R^2 معادل ۰/۳۹ می‌باشد.

واژگان کلیدی

مشارکت، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، جامعه مشارکت‌جو، دموکراسی مشارکتی

Email: Faizollah-nourooji@yahoo.com

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران - شمال

Email: Mahdicsr@yahoo.com

** دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران - شمال

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۳ / زمستان ۱۳۸۸ / صص ۲۴۹-۲۴۹

۱- بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان‌هاست. از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت به عنوان فرآیند تعاملی چندسویه مطرح می‌شود، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن هم‌فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت در فراگرد توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش، و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۵).

مشارکت اجتماعی از دویست سال پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که از غرب وارد این

کشورها شده بود، متجلی گردید. در بررسی و ارزیابی این برنامه‌ها عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. لذا از آن پس در استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹). مشارکت‌های غیر رسمی با سابقه‌ای دیرینه و با وجود تحولات و دگرگونی‌های که طی صد سال اخیر پدید آمده، هنوز هم در جامعه ایران مشهود می‌باشد و همواره در طول تاریخ بر مشارکت‌های رسمی و نهادمند در این سرزمین برتری داشته است. برگزاری مراسم مذهبی در ماه‌ها و ایام خاص، ساختن مساجد و حسینیه‌ها، کمک‌های متقابل در عروسی‌ها، جشن‌ها و سوگ‌ها و مشارکت‌های مردمی در قالب بنه و واره را می‌توان به عنوان مصداق‌هایی از مشارکت غیر رسمی در جامعه ایران برشمرد. نگاهی به تجربه‌های مشارکتی در میان عشایر و روستاییان و حتی شهرهای ایران در گذشته، نشان می‌دهد که مشارکت افراد بیشتر در امور اقتصادی و به دلایلی چون جبر جغرافیایی و شرایط زندگی بوده است. در عصر جدید، نخستین الگوهای مشارکت که با الهام از تحولات کشورهای

۲- چارچوب نظری

مبنای نظری این تحقیق بر اساس نظریه‌های اندیشمندان مکتب‌نوسازی و روانشناسان اجتماعی بنا شده است. صاحب‌نظران مکتب‌نوسازی بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن تأکید می‌ورزند. بنا بر این تقسیم‌بندی، جوامع مدرن دارای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن اقتصاد پیشرفته، انواع تکنولوژی‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایز یافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان و... می‌باشد. لذا بر اساس این ویژگی‌های عینی و بیرونی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد نیز متناسب با آن شکل گرفته است که یکی از مهم‌ترین آنها مشارکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی می‌باشد. از سوی دیگر در مقابل این جوامع، جامعه سنتی قرار دارد که به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نرسیده است و مجموعه مسائل و مشکلات ناشی از عدم توسعه در زمینه‌های یاد شده، موجب کم‌رنگ بودن مشارکت در معنای واقعی در زندگی اجتماعی و سیاسی فرد در این گونه جوامع می‌باشد. تحقیقات انجام شده در قالب این مکتب‌گویای آن است که در بین جوامع، جوامع برخوردار از عناصر توسعه‌یافتگی و به

اروپایی به‌خصوص فرانسه در ایران پیاده گردید، تأسیس مجلس شورای ملی بود. در ادامه این روند، انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و همچنین ایجاد انجمن‌های بلدی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و برگزاری انتخابات، از مصادیق مشارکت‌های رسمی در جامعه ایران می‌باشد (وثوقی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱) در زمان حاضر نیز با توجه به اینکه ایران در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان یک مسئله اساسی و مهم بیش از پیش در زمینه‌های مختلف خودنمایی می‌کند. لذا با عنایت به این امر، پژوهش حاضر در پی بررسی میزان مشارکت‌های رسمی و نهادمند افراد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و عوامل مؤثر بر گرایش افراد به مشارکت در جامعه، به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌باشد.

اهداف تحقیق عبارت است از:

سنجش میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد (۶۰-۳۰ ساله) در شهرستان خدابنده؛ ۲. بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد (۶۰-۳۰ ساله) در شهرستان خدابنده.

تبع آن از میان افراد هر جامعه، افراد برخوردار از سطوح بالای اقتصادی و اجتماعی دارای زمینه‌ها و انگیزه‌های بالاتری برای مشارکت در ابعاد اجتماعی و سیاسی هستند. از آن جمله لرنر^۱ در نظریه نوسازی خود، با تکیه بر چهار متغیر شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه‌ها و مشارکت، این عوامل را به یکدیگر وابسته می‌داند و معتقد است هر چه از شخصیت سنتی به طرف شخصیت متجدد و مدرن حرکت کنیم، همبستگی این چهار متغیر رو به افزایش می‌گذارد. روند رو به تزاید شهرنشینی، افزایش سواد را به دنبال داشته که به تبع آن باعث افزایش میزان تماس با رسانه‌ها شده و در نهایت تقویت مشارکت را در پی دارد. بنابراین به عقیده لرنر، جامعه جدید، جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی می‌باشد. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۰).

اینکلس^۲ در قالب نظریه نوسازی، با اشاره به نه ملاک برای انسان مدرن، معتقد است، متغیرهایی نظیر شهرنشینی، تعلیم و تربیت، ارتباط رسانه‌ای صنعتی شدن، سیاسی شدن و زمینه‌های عقیدتی، ارزشی، فکری، احساسی و رفتاری، بر انسان مدرن

دخیل‌اند و او را بر خلاف اسلاف سنتی، به مشارکت بیشتر وامی‌دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۲).

دال،^۳ در کتاب «تجزیه و تحلیل جدید سیاست» مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار داده و عوامل تسهیل‌کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده که به مدل دال در مشارکت سیاسی معروف است. وی عوامل مؤثر و زیربنایی در شکل‌گیری مشارکت را این‌گونه بر می‌شمرد. فرد برای پاداش‌های حاصله از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد، مکانیسم مشارکت رادر نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیسم‌ها مؤثرتر بداند، نسبت به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد، در ورود به فرآیند مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد نبیند. بنا بر نظر دال، وقتی فرد از فعالیت، انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد، تمایل به غلبه بر مشکلات و موانع در او زیاد می‌شود و حتی هزینه‌های آن را تحمل می‌کند. (دال، ۱۳۶۴، ص ۳۵).

هانتینگتون^۴ نیز مطالعات متعددی در زمینه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داده است. وی، نوسازی را فراگردی چندبعدی می‌داند که در همه زمینه‌های

3. Dahl
4. Huntington

1. Lerner
2. Incels

شرط عمده را لازم می‌داند. این شروط عبارت‌اند از: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم. وجود این شروط به عقیده گائوتری، به نهادینه کردن و تثبیت فرآیند مشارکت در جامعه منجر می‌شود (پناهی، ۱۳۸۳، صص ۷۶-۷۵).

آلموند و پاول،^۶ ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان معتقدند که شهروندان تحصیلکرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

از دیدگاه روانشناسان اجتماعی مشارکت افراد در جامعه، برآیند ارتباط متقابل عوامل اجتماعی و روانشناختی می‌باشد. در این راستا به نظر سیمن^۷ «ساختار بوروکراسی جامعه مدرن، شرایطی را ایجاد کرده است که

اندیشه و فعالیت جریان دارد. هانتینگتون معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگرا می‌باشد. از نظر وی انسان سنتی همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد. ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی روبه‌روست. او امکان هرگونه تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آنها وفق می‌دهد. به نظر وی، پیامدهای نوسازی منجر به دگرگونی ارزش‌ها در بین توده و افزایش تقاضای مشارکت سیاسی آنان می‌شود. به نظر هانتینگتون، در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به طور اعم و مشارکت سیاسی به طور اخص، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شوند و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها یا محصول جانبی توسعه به شمار می‌آیند؛ به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم اصلاحات ملی یا اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و...، مشارکت‌های بخش‌های از جامعه را تسهیل و تشویق می‌کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۵۴).

گائوتری،^۵ جهت ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم، حداقل چهار

در آن از یک سو، انسان‌ها نمی‌توانند علاقه و نتایج اعمال و رفتارهای خود را کنترل کنند و از سوی دیگر، کنترل جمعی و سیستم پاداش اجتماعی نیز به گونه‌ای است که فرد بین رفتار خود و پاداش حاصل از جامعه نمی‌تواند ارتباطی برقرار کند. در چنین شرایطی، احساس انفصال و بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصل و ناسازگار در قبال جامعه سوق می‌دهد» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۹۷).

راجرز،^۸ از فرهنگ دهقانی سخن به میان می‌آورد که عبارت است از عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، عدم توجه به عنصر زمان، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی و فقدان همدلی (روکس برو، ۱۳۷۰، ص ۱۵۵).

لوین^۹ با رویکرد روانشناختی به توضیح انفعال، بیگانگی و نیز تعیین حدود آسیب‌شناختی مشارکت، در یکی از انتخابات شهرداری بوستون آمریکا پرداخته است. وی معتقد است که گروه‌های اجتماعی مختلف از نظر احساس، هر یک از جنبه‌های چهارگانه

بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و از خودبیزاری در شرایط متفاوتی به سر می‌برند. لوین بیگانگی سیاسی و اجتماعی را حالتی می‌داند که بر اساس آن، فرد خود را به عنوان بخشی از روند سیاسی و اجتماعی جامعه به شمار نمی‌آورد. (لوین به نقل از دهقان، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

سیلز،^{۱۰} از منظر روانشناختی-اجتماعی در پی بیان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت است. به نظر وی، افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم، تربیت، مذهب و...) محاط شده‌اند. سیلز معتقد است که سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی به شدت با هم مرتبط و به یکدیگر آمیخته شده‌اند و هر تغییری در هر یک از آنها، مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد، لذا اگر تحلیلی صرفاً مبتنی بر یکی از آنها باشد، گمراه‌کننده و ناقص است (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۲).

کولین^{۱۱}، جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند، وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت مؤثر مستلزم وجود

10. Slize
11. Colin

8. Rogers
9. Levin

- اگر میزان اعتماد در افراد جامعه افزایش یابد، پس میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه، افزایش خواهد یافت.

- اگر در فرآیند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان از شیوه مشارکت‌جویانه استفاده شود، پس میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی در افراد جامعه افزایش می‌یابد.

- اگر میزان استفاده از رسانه‌های گروهی در افراد افزایش یابد، پس میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه افزایش خواهد یافت.

- اگر تقدیرگرایی در افراد افزایش یابد، میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها کاهش خواهد یافت.

- هر چه افراد از نظر طبقه اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته باشند، میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی در آنها افزایش می‌یابد.

- اگر سن افراد افزایش یابد، میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها افزایش خواهد یافت.

- مشارکت اجتماعی و سیاسی در افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است.

انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی مشارکت، قبل از اینکه نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد. برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت، باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته ذهنی را دگرگون ساخت و این امر بدون کار فرهنگی میسر نمی‌شود (وطنی، ۱۳۸۶، ص ۳۲).

۳- فرضیه‌های تحقیق

- اگر عام‌گرایی در افراد افزایش یابد، پس میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی در آنها افزایش خواهد یافت.

- اگر آینده‌نگری در افراد افزایش یابد، پس میزان اجتماعی و سیاسی در آنها افزایش خواهد یافت.

- اگر شیوه تربیتی در ساختار خانواده، اقناع‌گرایی باشد، پس میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی در افراد افزایش می‌یابد.

- اگر میزان بیگانگی اجتماعی در افراد کاهش یابد، پس میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه افزایش خواهد یافت.

- اگر احساس تعلق اجتماعی در بین افراد جامعه افزایش یابد، پس میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی بین افراد جامعه افزایش خواهد یافت.

خدابنده اعم از مناطق شهری و روستایی، می‌باشد. جمعیت این منطقه بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، بالغ بر ۵۲۲۵۹ نفر برآورد شده است.

۴-۱- حجم نمونه و نمونه‌گیری

حجم نمونه ۴۰۰ نفر و نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است. از میان مناطق منتخب، در بخش مرکزی (شهر قیدار) با استفاده از بلوک‌های شهری نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفته و در مناطق روستایی از نمونه‌گیری سیستماتیک استفاده شده است.

۵- تعاریف نظری و عملیاتی

متغیرهای تحقیق

مشارکت اجتماعی

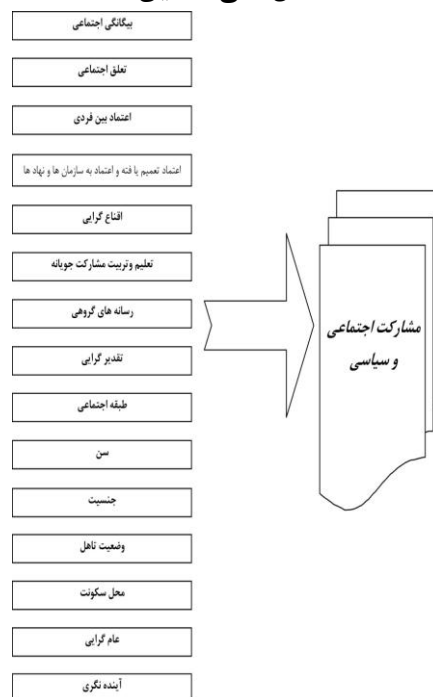
تعریف نظری: مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه، در امور محله شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۸).

تعریف عملیاتی: شرکت ارادی و آگاهانه افراد در فعالیت‌های مدنی (شرکت در انجمن‌های صنفی، کارگری، تعاونی‌ها و...)، فرهنگی و تفریحی (شرکت در فعالیت‌های

- جنسیت افراد بر میزان مشارکت آنها در جامعه تأثیرگذار است. مردان بیشتر از زنان در مشارکت نقش دارند.

- میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افرادی که در شهر سکونت دارند، بیشتر از افرادی است که در روستا سکونت دارند.

مدل علی تحقیق



۴- روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه افراد ۳۰ تا ۶۰ ساله ساکن در شهرستان

چشم‌پوشی از منافع و لذت آنی، برای کسب منافع آتی می‌پردازد.

بیگانگی اجتماعی و سیاسی

تعریف نظری: شرایطی که در آن انسان‌ها از یک سو نمی‌توانند عواقب و نتایج اعمال خود را کنترل کنند و از سوی دیگر نحوه کنترل و مدیریت جامعه و سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد بین رفتار خود و پاداش مأخوذ از سوی جامعه، نمی‌تواند ارتباطی برقرار کند. در چنین وضعیتی احساس انفصال و بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنش منفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد (تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۹۶).

تعریف عملیاتی: حالتی که فرد در آن احساس می‌کند بر فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی تأثیرگذار نیست و به این باور می‌رسد که رأی و نظر او در امور اجتماعی و سیاسی موجب هیچ گونه تغییری نخواهد شد. این نوع بیگانگی می‌تواند به اشکال گوناگون - احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی، بی‌هنجاری و احساس بی‌زاری و تنفر - در افراد بروز کند.

تعلق اجتماعی

تعریف نظری: تعلق اجتماعی نقطه عطف فرآیندی است که طی آن فرد نسبت

هنری، علمی، ورزشی...، مذهبی (شرکت در هیئت‌های مذهبی، روضه‌ها و...)، محلی (همکاری با همسایگان، انجمن اولیاء و مربیان، فعالیت‌های عمرانی محلی و...) می‌باشد.

مشارکت سیاسی

تعریف نظری: لستر میل براث، مشارکت سیاسی را، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف، حیطه عمل مردم در امر مشارکت سیاسی شامل: اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (وٹوقی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

تعریف عملیاتی: منظور از مشارکت سیاسی هرگونه عمل ارادی و آگاهانه افراد، در جهت تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی جامعه نظیر: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت‌های سازمانی و عضویت در گروه‌ها و احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، شرکت در مراسم، مجالس و راهپیمایی‌های سیاسی می‌باشد.

- آینده‌نگری به معنای نوعی آمادگی در فرد است که به واسطه آن فرد با اعمال انضباط و برنامه‌ریزی در عمل حاضر، به

به مکان، محیط، شیء و یا امری احساس تعهد و مسئولیت پیدا می‌کند، به نوعی که موجب احساس مثبت به محیط و یا امر مورد نظر می‌شود. (وحید و نیازی، ۱۳۸۳، ص ۲۱)

تعریف عملیاتی: داشتن احساس همدردی، تعهد، وظیفه و مسئولیت فرد، در قبال جامعه است. به صورتی که فرد، منافع جمعی را بر منافع فردی خود ترجیح می‌دهد و نسبت به جامعه، احساس دلبستگی و علاقه دارد.

اعتماد اجتماعی

تعریف نظری: اعتماد اجتماعی از مهم‌ترین شاخص‌های ارتباط و تعامل گروهی به شمار می‌آید و مبتنی بر آمادگی افراد و گروه‌ها جهت ایجاد رابطه اجتماعی و پذیرش متقابل است. اعتماد در ابتدا یک مفهوم روان‌شناختی است، که دلالت بر تأیید، پذیرش و همکاری فرد و پیرامون، به شکل متقابل دارد. بی‌اعتمادی در مقابل به مفهوم داشتن نوعی روحیه سوء ظن و بدبینی توأم با عدم اطمینان و همراه با شک و تردید نسبت به افراد و اشخاصی است که فرد با آنان در ارتباط متقابل، مستمر و روزمره است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۲۳).

تعریف عملیاتی: اعتماد دلالت بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأییدشده‌ای دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با زندگی اجتماعی خود دارند که قرین با روابط متقابل تعمیم یافته است. در پژوهش حاضر، اعتماد به سه شکل مورد بررسی و توجه قرار گرفته است:

- اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا؛
 - اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته یا اعتماد به بیگانگان؛
 - اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها.
- منظور از اعتماد فردی در پژوهش حاضر اعتماد به خانواده، خویشاوندان، نزدیکان و دوستان است.
- منظور از اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته، اعتماد و حسن ظن به افراد جامعه جدایی از تعلق آنها به گروه‌های خویشاوندان و آشنایان است.
- منظور از اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها، اعتماد به سه قوه حاکم بر جامعه، یعنی قوای مجریه، مقننه و قضاییه است.

تقدیرگرایی

تعریف نظری: به نظر راجرز، در خرده فرهنگ دهقانی، عناصری وجود دارد که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جامعه می‌شوند. راجرز یکی از این عناصر را تقدیرگرایی می‌داند. تقدیرگرایی به عنوان مجموعه باورهایی است که افراد در مورد شانس، بخت و اقبال و عدم دخالت در تعیین سرنوشت دارند. به طوری که اعتقاد به این گونه باورها، آنها را از تلاش برای تغییر در اوضاع و شرایط زندگی باز می‌دارد (دهقان و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

تعریف عملیاتی: منظور از تقدیرگرایی در پژوهش حاضر، اعتقاداتی است که افراد در مورد بدشانسی یا خوش‌شانسی، بخت و اقبال، تعیین سرنوشت پیش از تولد، و باورهایی است که افراد، در مورد شرایط زندگی خود دارند، آن را از قبل تعیین شده می‌دانند و لذا تلاش برای تغییر شرایط را کاری بیهوده فرض می‌کنند.

فرآیند تعلیم و تربیت

تعریف نظری: تعلیم و تربیت فرآیندی است که به واسطه آن به شکوفایی معرفت‌ها، توانایی‌ها، مهارت‌ها، دانش‌ها، اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و خصوصیت‌های شخصی با روش‌های معین پرداخته می‌شود (ذکاوتی، ۱۳۷۱، ص ۱).

تعریف عملیاتی: در بررسی تأثیر فرآیند تعلیم و تربیت، در پژوهش حاضر مجموع رفتارها و نگرش‌های عوامل اجرایی و مسئولین مدارس و دانشگاه‌ها، محتوای مطالب و منابع درسی، برنامه‌ها، طرح‌ها و فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس و دانشگاه‌ها مد نظر قرار گرفته است.

رسانه‌های گروهی

تعریف نظری: رسانه وسیله‌ای است که پیام را منتقل می‌کند. رادیو، تلویزیون، اینترنت، مطبوعات، کتاب سینما، وسایلی هستند، که پیام را از سازنده پیام به مخاطب منتقل می‌کند و خود رسانه را پیام می‌داند. (دادگران، ۱۳۷۴، ص ۲۱).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق میزان استفاده از سه رسانه جمعی، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها مد نظر قرار گرفته است.

طبقه اجتماعی

تعریف نظری: طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت، فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر، از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند. (کوئن، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳).

تعریف عملیاتی: شغل، سطح تحصیلات و درآمد به عنوان شاخص‌های تعیین طبقه اجتماعی افراد به کار رفته است.

۶- پایایی و اعتبار ابزار تحقیق

پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون و تأیید قرار گرفت و اعتبار ابزار از طریق اعتباریابی صوری به دست آمد.

۷- نتایج تحقیق

جدول ۱: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و محل سکونت

نام متغیر	طبقات متغیرها	فرد	درصد معتبر
سن	۳۰-۴۰	۱۸۸	۴۷
	۴۱-۵۰	۱۴۸	۳۷
	۵۱-۶۰	۶۴	۱۶
جنسیت	زن	۲۵۲	۶۳
	مرد	۱۴۸	۳۷
وضعیت تأهل	مجرد	۶۰	۱۵
	متأهل	۳۲۸	۸۲
	جدا از همسر	۱۲	۳
تحصیلات	بیسواد	۱۴۰	۳۵
	ابتدایی	۵۲	۱۳
	راهنمایی	۸۴	۲۱
	دیپلم	۷۶	۱۹
	لیسانس و بالاتر	۴۸	۱۲
محل سکونت	شهر	۲۴۸	۶۲
	روستا	۱۵۲	۳۸

با توجه به نتایج به دست آمده، ۶۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۷ درصد زن،

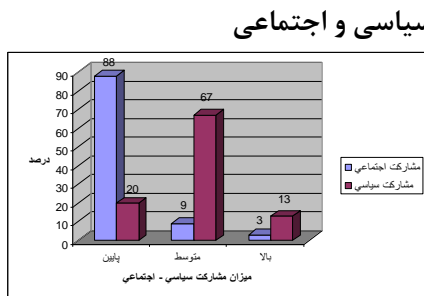
۶۲ درصد ساکن شهر و ۳۸ درصد ساکن روستا بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۲/۳ سال است. ۳۵ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۳ درصد ابتدایی، ۲۱ درصد راهنمایی، ۱۹ درصد دیپلم و ۱۲ درصد لیسانس و بالاتر بوده‌اند. ۱۵ درصد از پاسخگویان مجرد ازدواج نکرده، ۸۲ درصد متأهل و ۳ درصد از همسر جدا شده‌اند.

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اجتماعی

پایگاه اقتصادی اجتماعی	فرد	درصد معتبر
پایین	۱۸۰	۴۵/۹
متوسط	۱۰۸	۲۸/۱
بالا	۹۶	۲۵
بدون پاسخ	۱۶	۴
جمع	۴۰۰	۱۰۰

متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی در این پژوهش از ترکیب خطی متغیرهای تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی سنجیده شده است. ۴۵ درصد از پاسخگویان در طبقه پایین، ۲۷ درصد طبقه متوسط و بقیه ۲۴ سال طبقه بالا بوده‌اند.

نمودار ۱: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی



۸- آزمون فرضیات

جدول ۴: همبستگی متغیرهای اصلی

تحقیق با متغیر وابسته

متغیر وابسته	عام‌گرایی	تعلق اجتماعی	اعتماد به سازمان‌ها	بیگانگی اجتماعی	اعتماد بین فردی	اعتماد تعمیم یافته	میزان مشارکتی بودن تعلیم و تربیت	مشارکت اجتماعی	مشارکت سیاسی
ضریب ۲	۰/۰۶	۰/۰۶۳	۰/۰۱۹	۰/۳۱۰	۰/۱۲۷	۰/۳۸۰	۰/۰۲	۰/۱۰۶	۰/۱۵۲
sig	۰/۱۱۴	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱

جدول فوق بیانگر این است که بین میزان عام‌گرایی، میزان آینده‌نگری و میزان تقدیرگرایی افراد با مشارکت اجتماعی-سیاسی آنان رابطه معنی‌دار آماری وجود ندارد.

اما بین میزان بیگانگی سیاسی-اجتماعی افراد و میزان اعتماد مشارکت اجتماعی سیاسی آنان رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که ۲ پیرسون به‌دست آمده (۰/۳۸۰-) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) معنی‌دار بوده و به‌دلیل علامت منفی رابطه معکوس و در حد متوسط است، به این معنی که هر چه

جدول ۳: توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک هر یک از متغیرها

متغیرها	میزان	بالا	متوسط	پایین
استفاده از رسانه‌های گروهی	متوسط به پایین	۸	۳۶	۵۶
اقناع‌گرایی	متوسط به بالا	۴۸	۴۷	۵
عام‌گرایی	متوسط به پایین	۱۱	۴۸	۴۱
آینده‌نگری	متوسط	۳۵	۳۵	۲۸
بیگانگی اجتماعی	متوسط به پایین	۵۴	۳۰	۱۶
اعتماد به سازمان‌ها	متوسط به پایین	۲۱	۴۷	۳۲
تعلق اجتماعی	متوسط به بالا	۳۳	۴۱	۲۶
بیگانگی سیاسی	رو به پایین	۱۴	۶۶	۲۰
اعتماد بین فردی	متوسط به پایین	۱۳	۴۱	۴۶
اعتماد تعمیم یافته	متوسط به پایین	۱۵	۴۵	۴۰
میزان مشارکتی بودن تعلیم و تربیت	پایین	۳۸	۰	۶۲
مشارکت اجتماعی	پایین	۳	۹	۸۸
مشارکت سیاسی	متوسط به پایین	۱۳	۶۷	۲۰

بیگانگی سیاسی - اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی سیاسی کاهش می یابد.

تربیتی خانواده اقناع‌گرایانه‌تر باشد، بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد افزوده خواهد شد.

بین میزان تعلق اجتماعی افراد و میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. t پیرسون به‌دست آمده (۰/۴۱۹) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است. شدت این رابطه متوسط به بالا بوده و بیانگر این است که هر چه تعلق اجتماعی افراد بالاتر برود، بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان افزوده خواهد شد.

بین میزان استفاده از رسانه‌های گروهی توسط افراد و میزان مشارکت اجتماعی سیاسی آنان رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که t پیرسون به‌دست آمده (۰/۱۵۲) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار بوده و بیانگر این است که هر چه میزان استفاده از رسانه‌های گروهی در افراد افزایش یابد، بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان افزوده خواهد شد.

بین میزان اعتماد اجتماعی افراد و مشارکت اجتماعی سیاسی آنان رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. t پیرسون به‌دست آمده (۰/۳۱۰) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است و بیانگر این است که هر چه اعتماد اجتماعی در افراد بالاتر رود، بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان افزوده خواهد شد.

بین طبقه اجتماعی افراد و مشارکت اجتماعی سیاسی آنان رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد، یافته‌های جدول نشان می‌دهد که t پیرسون به‌دست آمده (۰/۱۰۶) با سطح معنی‌داری (۰/۰۱۹) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار بوده و با بالاتر رفتن طبقه اجتماعی افراد بر میزان مشارکت اجتماعی سیاسی آنان افزوده می‌شود.

بین میزان اقناع‌گرایی شیوه تربیتی خانواده و میزان مشارکت اجتماعی سیاسی افراد رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. t پیرسون به‌دست آمده (۰/۱۳۷) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۳) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است و هر چه شیوه

۹- تحلیل رگرسیونی

جدول ۵: آماره‌های رگرسیونی و برازش

مدل رگرسیونی

میزان همبستگی ضریب تعیین (R)	مقدار F (R2)	درجه آزادی سطح معناداری (df)	مقدار F	میزان همبستگی ضریب تعیین (R)
۰/۶۲۸	۰/۳۹۴	۱۲	۱۹/۷۰	۰/۰۰۰

بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی او نیز بیشتر خواهد بود. بیگانگی سیاسی، اعتماد، استفاده از رسانه‌های گروهی، تعلیم و تربیت، بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌نگری و طبقه اجتماعی، متغیرهای بعدی هستند که به ترتیب بعد از تعلق اجتماعی وارد معادله شده و همبستگی مثبتی با متغیر وابسته دارند.

جدول ۷: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام از مرحله اول تا مرحله نهم برای پیش‌بینی مشارکت

اجتماعی - سیاسی

مرحله	نام متغیر	R	R ²	مقدار افزوده شده به R ²	خطای استاندارد
اول	تعلق اجتماعی	۰/۴۲۰	۰/۱۷۷	۰/۱۷۵	۸/۸۹
دوم	بیگانگی سیاسی	۰/۴۹۷	۰/۲۴۷	۰/۲۴۳	۸/۵۱
سوم	اعتماد اجتماعی	۰/۵۳۳	۰/۲۸۴	۰/۲۷۸	۸/۳۱
چهارم	رسانه‌های گروهی	۰/۵۵۳	۰/۳۰۶	۰/۲۹۹	۸/۱۹
پنجم	تعلیم و تربیت	۰/۵۶۷	۰/۳۲۲	۰/۳۱۳	۸/۱۱
ششم	بیگانگی اجتماعی	۰/۵۸۶	۰/۳۴۳	۰/۳۳۲	۷/۹۹
هفتم	عام‌گرایی	۰/۵۹۷	۰/۳۵۶	۰/۳۴۴	۷/۹۲
هشتم	آینده‌نگری	۰/۶۰۵	۰/۳۶۶	۰/۳۵۲	۷/۸۸
نهم	طبقه اجتماعی	۰/۶۱۵	۰/۳۷۸	۰/۳۶۳	۷/۸۱

بر اساس اطلاعات به دست آمده در

جدول همبستگی چندمتغیره، در مرحله نهم

میزان همبستگی متغیرهای مستقل وارد شده در مدل با متغیر وابسته (میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی) در حدود ۰/۶۲۸ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی قوی بین متغیرهاست. همچنین ۳۹/۴ درصد از واریانس متغیر مشارکت اجتماعی سیاسی توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود که قابل توجه می‌باشد. بر اساس سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس (F)، مدل رگرسیونی فوق در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۶: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی میزان مشارکت

اجتماعی - سیاسی

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	Sig
تعلق اجتماعی	۱/۶۴	۰/۴۲۰	۸/۹۶	۰/۰۰۰
بیگانگی سیاسی	۰/۸۵۱	۰/۲۷۲	۵/۸۹	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۳۳۷	۰/۱۹۹	۴/۴	۰/۰۰۰
رسانه‌های گروهی	۰/۵۰۲	۰/۱۴۶	۳/۴۲	۰/۰۰۱
تعلیم و تربیت	-۰/۴۹۸	-۰/۱۴۰	-۲/۹۱	۰/۰۰۴
بیگانگی اجتماعی	۰/۵۹۹	۰/۱۶۰	۳/۴۵	۰/۰۰۱
عام‌گرایی	-۰/۳۸۳	-۰/۱۳۲	-۲/۷۲	۰/۰۰۷
آینده‌نگری	۰/۴۴۹	۰/۱۰۶	۲/۳۵	۰/۰۱۹
طبقه اجتماعی	-۰/۵۴۰	-۰/۱۴۲	-۲/۶۹	۰/۰۰۷

تعلق اجتماعی اولین متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان T (۸/۹۶) و سطح معنی‌داری همبستگی بالا و مثبتی با متغیر وابسته دارد. یعنی هر چه میانگین نمرات فرد در مورد تعلق اجتماعی

R برابر با ۰/۶۱۵ است و ضریب تعیین به دست آمده در مرحله نهم نشان می‌دهد که در مجموع ۹ متغیر درون معادله یعنی تعلق اجتماعی، بیگانگی سیاسی، اعتماد اجتماعی، رسانه‌های گروهی، تعلیم و تربیت، بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌نگری و طبقه اجتماعی حدود ۳۹/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی) را پیش‌بینی می‌کنند.

۱۰- فرجام

۱-۱۰- نتیجه‌گیری

به طور کلی از میان عوامل بی‌شماری که در تحقق مشارکت اجتماعی و سیاسی تأثیرگذارند، دو عامل مهم و شاخص توسط هانتینگتون و نلسون مطرح شده است: عامل اول نگرش نخبگان سیاسی در قبال مشارکت است. این نخبگان از وسایل منابع و امکانات زیادی برای تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، یا محدود کردن آن برخوردارند. عامل دوم، میزان آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی در خود این جوامع است و به این امر وابسته است که سنت‌های زندگی جمعی (فعالیت در انجمن‌ها، نهادهای جمعی سنتی و...)، در این جوامع تا چه حد گسترده و ریشه دار می‌باشد. اندرسون، مشارکت اجتماعی را

اساساً یک ویژگی خانوادگی دانسته و معتقد است چنانچه والدین روحیه مشارکت‌جویی داشته باشند، فرزندان آنها نیز مشارکت اجتماعی- سیاسی بالایی خواهند داشت. نخستین تجربه فرد در تصمیم‌گیری‌های خانواده، می‌تواند احساس او را در مورد صلاحیت مشارکتی تقویت کند. این گفته در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه حاصل از آن حاکی است که بین نوع شیوه تربیتی خانواده (استبدادی و یا اقناع‌گرایانه) و میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی افراد، رابطه وجود دارد. از سوی دیگر باید اذعان کرد که ساختار ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی به عنوان یک نهاد اجتماعی با دیگر نهادهای موجود در جامعه، روابط مبادلاتی متقابل دارد. بدون شک این نهاد اجتماعی در روند تغییرات اجتماعی و رشد اقتصادی، عامل مهمی تلقی می‌شود. ارتباطات به معنای عام، نشانگر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک جامعه مشخص است. در چارچوب چنین ساختارهایی است که تعامل اجتماعی میان افراد شکل می‌گیرد و در نهایت به شکل‌گیری مشارکت می‌انجامد.

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، از عوامل اصلی مشارکت اجتماعی و سیاسی‌اند.

یافته‌های این پژوهش، رابطه بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی - سیاسی را با همبستگی بالایی تأیید کرده است. در بررسی تأثیر طبقه اجتماعی افراد بر مشارکت آنها در جامعه، هانتینگتون معتقد است که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند، مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی باشد. در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود و از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد و تحصیلات فرد، دارای بیشترین تأثیر بر مشارکت سیاسی می‌باشد.

نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نیز رابطه معناداری را بین طبقه اجتماعی افراد و میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهد. از دیگر یافته‌های تحقیق، ارتباط معنی‌دار و تنگاتنگ متغیر تعلق اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌باشد. جامعه ایران به دلیل قرار گرفتن در دوران گذار، تغییر در عوامل و بسترهای ایجاد تعلق

اجتماعی در افراد جامعه را تجربه می‌کند. از آنجا که بر طبق نظر دورکیم، در دوران گذار هنجارهای موجود در جامعه در معرض تغییر و تحول قرار خواهد گرفت و در این شرایط است که احتمال کم‌رنگ شدن تعلقات اجتماعی افراد به جامعه قوت خواهد یافت، درک درست شرایط و ایجاد بسترهای مناسب برای شکل‌گیری و تقویت تعلق اجتماعی در هر جامعه، امری ضروری محسوب می‌شود. لذا بر اساس نظریه‌های ساپ و هاروارد، فیش باین و آیزین و دیوید سیلز، از آن جایی که حلقه ما قبل بروز رفتار، قصد و نیت است و شکل‌گیری قصد و نیت به نوبه خود، تابع دو متغیر گرایش به سوی آن رفتار و هنجار ذهنی است و از سوی دیگر، انتظاراتی که جامعه از فرد دارد، به عنوان یک محرک مهم در بروز رفتار به شمار می‌آید، در نتیجه تبادل رابطه بین فرد و جامعه، احساس تعلق اجتماعی را شکل می‌دهد. با توجه به اینکه عامل تعلق اجتماعی، بیشترین همبستگی را در این پژوهش داشته، لذا افزایش این احساس می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه منجر شود. از سوی دیگر هرچه مشارکت افراد افزایش می‌یابد، بر میزان تعلق آنها به جامعه نیز افزوده می‌شود.

در نتیجه بین تعلق اجتماعی و میزان مشارکت، یک رابطه دوسویه وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نیز این ارتباط را با همبستگی بالایی تأیید کرده است.

از سوی دیگر، بیگانگی افراد نسبت به جامعه را از دو زاویه اجتماعی و سیاسی می‌توان مورد توجه داد. این مسئله در نظریات مارکس، دورکیم و سیمن هم مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع هنگامی که فرد احساس می‌کند عمل او تأثیری بر سیر وقایع سیاسی ندارد و جامعه به وسیله گروه کوچکی اداره می‌شود، که صرف نظر از هر نوع فعالیت یا عمل افراد جامعه، همچنان به حفظ منافع و موقعیت خود می‌پردازند، فرد دچار بیگانگی سیاسی می‌گردد. و این امر منجر به احساس بی‌تفاوتی، انفعال و بی‌علاقگی فرد از ساختار سیاسی جامعه می‌شود. یافته‌های این پژوهش نیز ارتباط معنی‌دار بین متغیر بیگانگی سیاسی-اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی-سیاسی افراد در جامعه را تأیید نموده است. همچنین به عقیده گیدنز ارتباط ناب در جامعه منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز رابطه نزدیکی با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در

محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. لذا حفظ اصالت رابطه مورد نظر ایجاب می‌کند که همان توازنی را که در روابط خودمانی بین خودمختاری و در دیگران حل شدن لازم است، مراعات گردد.

نکته مهم از نظر گیدنز آنکه، در این رابطه هرکس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به طور منظم بعضی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار دیگران استنباط کند. در این پژوهش، اعتماد به عنوان یکی از عوامل بنیادین و تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی-سیاسی افراد شناخته شده و ارتباط معنی‌دار آن با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی-سیاسی به تأیید رسیده است. همچنین در این تحقیق، بین متغیرهای جنسیت افراد و میزان مشارکت اجتماعی-سیاسی آنان (تأیید نظریات لیپست)، متغیر تأهل و میزان مشارکت اجتماعی سیاسی افراد (تأیید نظریات لیپست و هانتینگتون)، متغیر سن و میزان مشارکت اجتماعی سیاسی (تأیید نظریات لیپست) و محل سکونت با مشارکت اجتماعی-سیاسی (تأیید نظریات لیپست، راجز و لرنر)، ارتباط معنی‌داری مشاهده شده است. بدین ترتیب که مردان بیشتر از زنان، متأهلین بیشتر از مجردین، افراد مسن بیشتر از افراد جوان‌تر و

اجتماعی- سیاسی) را تبیین می‌کنند. ۶۱/۶ درصد از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی- سیاسی نیز خارج از قلمروی این تحقیق می‌باشد که باید در تحقیقات بعدی مورد بررسی قرار گیرد.

۱۰-۲- پیشنهادات

۱. با توجه به یافته‌های تحقیق در زمینه ساخت روابط قدرت در خانواده و کیفیت روابط بین اعضاء می‌توان از رسانه‌های جمعی تأثیرگذار در جهت بالابردن اقناع‌گرایی در روابط خانوادگی از طریق آموزش و بسترسازی برای فرهنگ دموکراتیک در خانواده استفاده کرد.

۲. با توجه به اینکه در این پژوهش هنجار تعلق اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل در میزان مشارکت افراد شناسایی شده است، درک شرایط کنونی جامعه و شناسایی عوامل مؤثر بر تعلق اجتماعی افراد در عصر کنونی می‌تواند به عنوان عاملی مهم و اساسی در زمینه شکل‌گیری مشارکت‌های واقعی در جامعه می‌باشد. همچنین توجه به رابطه دوسویه مشارکت و احساس تعلق اجتماعی، لزوم رفع موانع در جهت حضور آزادانه و مشتاقانه افراد در جامعه را خاطرنشان می‌سازد.

ساکنین شهر بیشتر از ساکنین روستا، میزان مشارکت اجتماعی سیاسی داشته‌اند. همچنین بین متغیر تقدیرگرایی، خاص‌گرایی و آینده‌نگری، با میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی، ارتباطی مشاهده نگردیده است.

در تحقیق حاضر جهت پیش‌بینی و تبیین علل اجتماعی کنش مشارکت اجتماعی- سیاسی، متغیرهای مستقل تحقیق به ترتیب اولویت از نظر تأثیر بر فرآیند مشارکت در جامعه آماری مورد نظر ارائه می‌گردند.

۱. تعلق اجتماعی ۲. بیگانگی سیاسی اجتماعی ۳. اعتماد اجتماعی ۴. میزان استفاده از رسانه‌های گروهی جهان پیچیده اجتماعی در کنش و واکنش مستمر با عوامل مختلف شکل می‌گیرد. از همین روست که جهت تبیین و بررسی آن نیازمند یک دیدگاه ترکیبی هستیم. در این بررسی سعی محقق بر آن بوده که با بهره‌جستن از نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون به فرآیند پیچیده مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه بپردازد. در همین راستا نتایج به‌دست آمده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، حاکی از آن است که متغیرهای مطرح شده در این تحقیق (متغیرهای مستقل) به میزان ۳۹/۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت

۳. با توجه به تأثیر مثبت مشارکت اجتماعی - سیاسی بر روند توسعه اجتماعی در جامعه، باید شرایط و بسترهای مناسب برای سوق دادن افراد به درگیر شدن در رویدادهای اجتماعی ایجاد شود. به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های مناسب این باشد که به گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیر دولتی بهای بیشتری داده شود. برنامه‌ریزان جامعه باید موانع قانونی و ساختاری بر سر راه توسعه چنین سازمان‌هایی را در حد امکان از پیش رو برداشته و حمایت‌های لازم و مکفی را به این سازمان‌ها مبذول دارند تا افراد علاقه‌مند، انگیزه بیشتری برای عضویت در این سازمان‌ها داشته باشند.

۴. پیشنهاد می‌گردد برای توسعه سرمایه اجتماعی، تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. یکی از راهکارهای مناسب در این زمینه این است که مسئولین به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌گردد. اعتماد اجتماعی بالا، نتایج مفید و قابل ملاحظه‌ای برای جامعه به ارمغان می‌آورد. از یک سو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و همچنین

رویدادهای سیاسی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، به توسعه و تحکیم روابط، پیوندها و شبکه‌های اجتماعی که نقش بسزایی در سرمایه اجتماعی افراد ایفاء می‌کنند، منجر می‌شود.

یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی برای بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی، کاهش سطح نابرابری اجتماعی است؛ چرا که با کاهش نابرابری‌های اجتماعی، بسیاری تضادهای موجود بین گروه‌ها و اقشار مختلف نیز از بین می‌رود. برنامه‌ریزان باید نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا تعادل بین نیازها و فرصت‌های موجود برقرار گردد تا افراد دغدغه خاطر کمتری در تأمین نیازهای خود احساس کنند. زمانی که فرصت‌های موجود جوابگوی نیازهای جامعه نباشد، افراد برای دستیابی به فرصت‌های محدود به انواع و اقسام رفتارهای غیر اجتماعی (از قبیل پارتی‌بازی، حيله، زور و...) دست می‌زنند که این شرایط آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به اعتماد اجتماعی وارد می‌کند.

۵. به عنوان آخرین راهکار، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی بیشتری هم در سطح مدارس و هم در دانشگاه‌ها و هم در رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون و رادیو در زمینه اشکال مختلف مشارکت‌های

۱۱. غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، نشر نزدیک.
۱۲. محسن تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.
۱۳. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، «بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱، تهران.
۱۴. وثوقی، منصور (۱۳۸۳)، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
۱۵. وحید، فریدون و محسن نیازی (۱۳۸۳)، «تأملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۶. وطنی، علی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش انگیزه افراد در مشارکت اجتماعی در استان گلستان، رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی
۱۷. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم.

منبع لاتین

18. *Educational Research* , Vol. 39 ,Issue 6.

اجتماعی - سیاسی و تشویق نسل جوان به کارهای جمعی، به اجرا درآمد و سطح آگاهی افراد جامعه را در خصوص شیوه‌های مختلف مشارکت از طریق چنین برنامه‌های آموزشی ارتقاء دهند.

منابع فارسی

۱. آلموند، گابریل و پاول، جی (۱۳۸۰)، «مشارکت و حضور شهروندان»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۳-۱۶۴، تهران.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۷۵)، جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.
۳. پناهی، حسین (۱۳۸۳)، «اثر ویژگی‌های فردی و مشارکت اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
۴. دادگران، محمد (۱۳۷۴)، مبانی ارتباط جمعی، انتشارات فیروزه.
۵. دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، انتشارات ظفریان.
۶. دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، «تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان» (دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران)، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
۷. ذکاوتی قراگوزلو، علی (۱۳۷۱)، آموزش و پرورش میانی و نظریه‌ها، انتشارات احیاء کتاب.
۸. روکس برو، یان (۱۳۷۰)، نظریه‌های توسعه نیافتگی، ترجمه مصطفی ازکیا، نشر توسعه، تهران.
۹. کوئن، بورس (۱۳۸۶)، جامعه شناسی عمومی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگی معاصر تهران.
۱۰. طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، «مشارکت به چه معناست»، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره سیزدهم، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت.